

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

A.R.M.D

ارشیف اسناد جنبش انقلابی

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان

۲۲ اکتوبر ۲۰۱۹



قطعهنامه

کنفرانس سرتاسری

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان

(ساما)

مورخ: (۳ تا ۱۶ قوس ۱۳۶۲ ش/۲۴ نومبر – ۷ دسمبر ۱۹۸۳ م)

نگارش از زنده یاد «قیوم رهبر»، تصویب توسط کنفرانس

بازنشر: کمیته فرهنگی «ساما»

تاریخ نشر: میزان ۱۳۹۸ شمسی

زندگی روند درنگ ناپذیر است که از خلال موانع و پیچ و خم ها پویه تکاملی خود را بنابر قانونمندی های مستقل از اراده و خواست انسان ها به پیش می برد و انسان آگاه با کشف این مناسبات و ضوابط، در تندی و کندی عوامل رشد دهنده و سد کننده نقش خود را اداء می کند.

بغرنجی روز افزون قضایای اجتماعی، مبتنی بر ظرافت و پیچیدگی بافت های تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی همراه با محدودیت های سیاسی - اجتماعی انسان در معرفت احوال و اوضاع پیرامونش، چنان که تقابل همه جانبه تناقضات سیاسی - طبقاتی در سطح ملی و بین المللی؛ آن حرکت مارپیچی تاریخی - معرفتی را به وجود می آورد که گاه فاصله هائی به جدائی های کامل می انجامد و زمانی هم به یگانگی پرمحتوا تر و عالی تر؛ وقتی به پیروزی انسان آگاه بر موانع و معضلات می رسد و گاهی هم به شکست ها و افت و خیز های خرد و بزرگ منجر می شود.

یک سازمان سیاسی - نظامی انقلابی که درفش رنج و مبارزه کاروان پیشرونده و آگاه تاریخ بشری را بر دوش خود حمل می کند، در میان انبوهی از عوامل متناقض و شرایط مساعد و نامساعد به وجود می آید، رشد می کند، بر

زمین می افتد و به پیش می رود. گاهی رخدادها و رویدادها آن را به دنبال خود می کشد و زمانی هم بر اوضاع و شرایط چیره می شود؛ گاهی سرعت حوادث آن چنان با او در حرکت است که به جز از خود و حرکت چیزی دیگر را نمی بیند و لحظاتی هم فرصت این میسر می شود تا انسان آگاه برای بررسی خود و محیط پیرامونش مکث کند. کنفرانس ها، پلنوم ها و کنگره ها آن لحظه از حرکت پیشرونده را نشان می دهند که تجارب مجزا، پراکنده و حسی، برداشت های متفاوت و غبارآلود از مفهوم رخدادها و به طور کلی سیر اوضاع در نتیجه کار و کوشش جمعی، بار دیگر وحدت و روشنی خود را بازمی یابد.

کنفرانس سرتاسری سازمان پرافتخار و رزمنده ما که به تاریخ ۳ قوس ۱۳۶۲ ش مطابق ۲۴ نومبر ۱۹۸۳ م در شرایط سریعاً متغیر ملی و بین المللی و در اوضاع بحرانی ناشی از ضربات ماه اسد سال ۱۳۶۰ بر سازمان ما و پیامد های نظامی، سیاسی و تشکیلاتی آن، زیر شعار "وحدت رزمنده سازمان" دائر گردید؛ بازتاب واقعی آن خواست بحق توده های سازمان ما بود که از ابهامات فکری، لامبالاتی سیاسی و تشتت تشکیلاتی به ستوه آمده بودند و خواستار تصفیة حساب با این امراض و غلبه بر آن بودند.

علاوتاً نفوذ یک تن از جواسیس دولت در گوشه ای از سازمان و در غلتیدن عده ای از کادر های ما در اشتباهات خرد و بزرگ و در نتیجه به وجود آمدن گرایشات تسلیم طلبانه ملی، آن محیط بحرانی را به وجود آورد که هم می توانست زمینه خوبی برای استفاده جوئی های بعدی دشمن باشد و هم مخالفان سیه دل انقلاب و ترقی در ورای آن به رقص مرگ آفرین خود پردازند و در متن این حالت گرایشات ناسالم فکری، سیاسی و تشکیلاتی دیگر در تیرگی آن خود را پنهان سازد. بناءً برخورد شرافتمندانه، صادقانه و جسورانه به این مسأله حساس، به منظور پاکیزه نگه داشتن و پاسداری از ساحت پرافتخار و استوار "ساما" و باز کردن پنجره ها و تهویه فضای سازمانی، آن وظیفه عاجلی بود که قلب سرتاسری برای آن می تپید.

کنفرانس که با عشق بزرگ به انقلاب، مردم و ملت آغاز یافت، در دو مرحله از کار خود تجارب غنی، پرافتخار و همه جانبه سازمان را در جریان پیشرفت ها، عقبگرد ها، دستآورد ها و شکست ها مورد مطالعه و بحث قرار داد، آن ها را ریشه یابی نمود و برای پیشرفت مداوم سازمان و انقلاب رهنموده های کلی، مشخص و علمی خود را ارائه داد.

برخورد سازمان ما به قضایای ملی و بین المللی، به مسائل انقلاب و مردم بار دیگر نشان داد که انقلابیون صادق و پاکباز، با استعمار، امپریالیسم و زورگویی سر هیچ گونه آشتی را نداشته و نخواهند داشت و سوگند بزرگ سامائی که " تا بقایای ستم ملی و طبقاتی سلاح رزم خود را بر زمین نمی گذاریم"، قدسیت خود را در قلب فرد فرد سامائی رزمنده دارد.

بار دیگر نشان داد که انقلابیون از برشمردن اشتباهات و کاستی های خود هیچ گونه واهمه ای ندارند و آن را نشانه جدیت و صداقت خود در امر انقلاب می دانند. بالاخره بار دیگر نشان داد که سامای رزمنده علی رغم توطئه های دشمن، حملات نابود کننده سیه مغزان تاریخزده و بی ایمانی رفقای نیمه راه، قادر به حفظ وحدت، هستی، دستآورد ها و میراث گرانبهای شهدای پیشکسوت ما، در پیشاپیش آنان مجید شهید، رهبر محبوب و فراموش ناشدنی ما، هست.

کنفرانس در نتیجه بحث و مشورت روی سلسله ای از مسائل، به جمع بندی ها و نتایج زیرین دست یازید:

۱ - امپریالیسم خونخوار روس قاتل هزاران هزار هموطن ما، دشمن عمده، اساسی و قسم خورده مردم ما و ملت ماست. هر گونه سازش، ارتباط و همکاری با این دشمن و مزدوران حلقه به گوش آن - "پرچم" و "خلق" - به

منظور در هم بر هم کردن مناسبات دشمنانه و آشتی ناپذیر ما با آن، تسلیم طلبی و در نتیجه خیانت ملی است.

۲ - عوامل گرایشات تسلیم طلبانه ملی در درون سازمان ما علاوه بر عوامل برونی (تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، توطئه های دشمن، نقش نیرو های امپریالیستی دیگر و نیرو های عقبگرا) که این گرایشات را در سطح ملی، تقویت کرده است؛ عوامل درونی عمومی (فکری، سیاسی و تشکیلاتی) و مشخص: نفوذ دشمن، دوری گزیدن از موقعیت و وظیفه تاریخی و انقلابی، آرمانگرایی و رفتن به دنبال جنبش خود به خودی به شکل "توده گرایی"؛ قابل رؤیت است که مبارزه علیه آن نه با شیوه اداری - تشکیلاتی صرف، بلکه عمدتاً از طریق روشنگری همه جانبه و مبارزه جامع الاطراف فکری، سیاسی و تشکیلاتی ضروری می نماید.

حاملان و مجریان آن در سازمان ما - به استثنای "داکتر صدیق" عامل دشمن و دو نفر از همکاران او که به جزای اعمال ننگین شان رسیده اند و یک تن دیگر از اعضای سازمان که بنابر اشتباهات پی در پی اش، از طرف شورای نظامی - سیاسی محل به اتهام خیانت از سازمان اخراج شده بود و از طرف کنفرانس نیز متهم به خیانت شناخته شد - دیگر همگی دچار اشتباهات سیاسی خرد و بزرگ بودند که با برخورد قاطعانه و انقلابی سازمان می توانند در جریان یک تجدید تربیت و اشتراک فعال در مبارزه ملی، اشتباهات خود را اصلاح نمایند.

ناگفته نباید گذاشت که احکام کنفرانس اصولاً نهائی نیست و "کمیسیون تحقیق و بررسی"ی که برای این مسأله به وجود می آید، بعد از تحقیقات لازمه و کافی احکام نهائی مربوط به مسأله را از مراجع ذیصلاح کسب خواهد کرد.

۳ - مبارزه ایدئولوژیک که مستقل از اراده و خواست ما به عنوان بازتابی از تناقضات اجتماعی موجود جامعه در سازمان وجود دارد، جهتهی علمی و سالم آن به مثابه روح سازمانی، ضامن حرکت ارتقائی آن از مراحل دانی به مراحل عالی است و برخورد غیرمسئولانه به این نکته، نفوذ دشمنان انقلاب را به درون ما حمل می نماید و صدمات جبران ناپذیری به انقلاب و به سازمان می زند.

در جریان کار مقدماتی مرحله دوم کنفرانس، دو تن از رفق سلسله مسائل اعتقادی، سیاسی و تشکیلاتی متناقض با برنامه و آئین نامه سازمان را به عنوان پیش شرط هائی مطرح کردند که با قید فوریت، بحث روی آن آغاز یافت. در خلال بحث رفقائی که خود را به نام " تازه اندیشان" مسمی کردند، روی سلسله مسائل انقلاب و تکامل اجتماعی بشری در کل و در مورد تکامل سازمان ما نظر دادند که در همان جلسه طرح های مقابل آن در بحث روی پانزده مسأله عام و چند مسأله مربوط به سازمان ارائه گردید.

چون طرح پیشنهادی این دو تن مبنی بر دوآلیسم فکری، سیاسی و تشکیلاتی - که در واقع سازمان را به دو سازمان جداگانه کامل عیار تقسیم می کرد - از طرف جمع مردود شناخته شد و در مقابل طرح یک سازمان واحد غیرقابل تجزیه به عنوان تجربه ای جهانی و ملی مورد تأکید قرار گرفت. این دو نفر علی رغم خواهش و اصرار مجموع رفق، استعفای خود را از سازمان، تقدیم کردند که در مورد یک تن آن ها پذیرفته شد، ولی از دومی خواستار ادامه کار در سازمان با حفظ نظرات و اعتقاداتش شدند که نپذیرفت.

از نظر سازمان مسؤلیت استعفای این دو رفیق کاملاً به دوش خود آن هاست. در صورتی که آن ها موازین تشکیلاتی سازمان را بپذیرند - به پاس خدمات گذشته - آغوش سازمان بر روی آن ها باز خواهد بود.

در پایان کار این مسأله فوری، رفقای اشتراک کننده در کنفرانس با خواندن پارچه شعری به یاد مجید قهرمان و میثاق نامه تعهد خود به حفظ سازمان، وحدت و پاکیزگی آن و پاسداری از موازین و سنن انقلابی آن، با سوگند دسته جمعی به مرحله دوم کنفرانس داخل شدند.

۴ - تضاد عمده حالتی عینی است که بنابر عوامل عینی و ذهنی در جامعه به وجود می آید و هیچ کسی نمی تواند آن

را در ذهن خود بیافریند. درک این نکته ضروریست که حل تناقضات تبعی و درجه دوم در انقلاب بدان منوط می گردد. پایه های این نوع تناقضات، تاریخی، سیاسی و یا ناشی از توطئه دشمن است که هر کدام باید با شیوه ای ویژه حل گردد. جا به جا شدن این نوع تناقض با تضاد آستی ناپذیر با دشمن، تغییر مناسبات ما با مردم و در نتیجه، با استعمار است، که ماحصل آن، کند سازی جریان تکاملی و پیشرونده تاریخ و انقلاب خواهد بود. راه حل مشخص و انقلابی - در آن صورتی که این نوع مناسبات وارونه و غیرمنطقی بر ما تحمیل شود - تشدید هر چه بیشتر مبارزه همه جانبه ضد استعماری به عنوان ریشه این نوع کنش ها، تشدید مبارزه سیاسی علیه نیرو های انحصارگر و عقبگرا که حق زندگی و مبارزه را از ما سلب می کنند و افشای همه جانبه آن ها، تقویت مناسبات دوستانه با نیرو های دیگری که برخورد شان با ما خصمانه نیست، صرف نظر از مواضع فکری - طبقاتی کلی آن ها و به ویژه کار خستگی ناپذیر برای وحدت نیرو های انقلابی و ملی، پایه گذاری تشکیلات همه جانبه و تحول سریع و متناسب اشکال کار در مناطقی که شکلی از اشکال مبارزه بنابر این موانع در خطر نابودی قرار می گیرد.

آنچه قبل از همه چیز ارزش دارد، اینست که ما بنابر توازن کمی و کیفی نیرو ها در سطح محل معینی و یا در سطح ملی و بنابر ویژگی های دیگری در هر جایی حق داریم برخورد های خود را در اشکال عقب نشینی منظم و یا دفاع فعال عیار بسازیم، ولی حق نداریم مرز میان خود و دشمن را بزدانیم و یا علت وجودی خود را زیر سؤال قرار داده و به انحلال خود برسیم.

۵ - کار علنی و مخفی در اشکال متعدد آن، حالت متنوع و شمولی مبارزه جویانه را نشان می دهد که انسان آگاه و انقلابی هیچ گاهی و در تحت هیچ شرایطی دست از تپش و تلاش مبارزاتی خود بر نمی دارد. کار علنی و مخفی در شهر ها بیشتر در مناسبات ما و دشمن ما مورد مطالعه قرار می گیرد، در حالی که همین نوع کار ها در روستا بیشتر نمایانگر مناسبات غیردموکراتیک میان نیرو های متخاصم مقاومت گر ملی است. ولی با درک اوضاع و شرایط اکنون و تا مدت زیادی؛ پایه کار ما باید بر شکل مخفی استوار باشد و حتی در جایی که ما برآمد مستقل و علنی داریم، ایجاد پشتوانه تشکیلاتی مخفی آن مکانیسم فعالی را به وجود می آورد که قدرت تحول ما را از شکلی به شکل دیگر کار سرعت می بخشد. ما بنابر عدم درک این نکته به ویژه در انعطافات معین نظامی - سیاسی قدرت تحرک، مانور و تغییر سریع اشکال کار خود را از دست دادیم و ضربت خوردیم .

۶ - کار مستقل، پوششی، نفوذی و تجزیه ای باز هم اشکال متنوع درآمد و برآمد انقلابی را نمایش می دهد که هر کدام شرایط ویژه ای را خواهان است و ضوابط معینی باید آن را رهنمائی و پاسداری نماید.

کار مستقل بدون پایه اجتماعی گسترده، کار سیاسی - تشکیلاتی مقدماتی با قدرت نظامی متناسب با منطقه و زیرساخت مطمئن برای تحرک و رساندن به موقع مواد لوژیستیکی نمی تواند مدت زیادی دوام بیاورد. سازمان ما افتخار دارد که به عنوان یگانه گردان انقلابی در جنبش مقاومت ملی درفش انقلاب و ترقی را بلند نگه داشته و به صورت مستقل و علنی در جنبش آزادیبخش ملی اشتراک فعال نموده و دین ملی و تاریخی خود را ایفاء نموده است. این یکی از ویژگی های "ساما" در مجموع جنبش انقلابی کشور و یکی از افتخارات آنست و حفظ پاسداری از آن؛ وظیفه هر فرد سامائی و هر فرد انقلابی است.

برآمد مستقل مخاطرات بی حد و حصری را همراه با خود می آورد که هر گونه ماجراجویی به نتایج غیرقابل جبران می رسد، ولی از لحاظ تاریخی و سیاسی کاریست ناگزیر و باید تمام اشکال دیگر کار در خدمت آن قرار گیرد و بدین صورت هدف عمده تمام اشکال دیگر کار خواهد بود.

کار پوششی علاوه بر پایه اجتماعی کیفیتاً متفاوت از شکل اولی، ولی ضروری به کار فکری - سیاسی مداوم و

روابط تشکیلاتی منظم و منضبط نیاز دارد که بدون آن یک نیروی انقلابی به طرف انحلال فکری و یا تشکیلاتی - سیاسی می رود.

کار نفوذی مناسبات ما را با دیگر نیرو های مقاومت نشان می دهد که خصلت ضد دموکراتیک آن ها بارز تر است و این کار که اکثراً نه به صورت کتله ئی، بلکه به طور انفرادی صورت می گیرد، علاوه بر تربیت مداوم فکری - سیاسی و روابط منضبط تشکیلاتی؛ به ضوابط تشکیلاتی نیاز دارد که بدون آن نه کار نفوذی به نتیجه می رسد و نه هم ما می توانیم نقش خود را در جهتهی این گونه نیرو ها به خوبی اداء نمائیم. ولی فوراً باید تذکر داد که ما حق نداریم در میان نیرو های انقلابی و ملی دوست خود به کار نفوذی بپردازیم؛ این نوع برخورد با شرافت انقلابی سامائی ما سازگاری ندارد.

کار تجزیه ای (یا کار نفوذی تخریبی) نمایانگر مناسبات میان ما و دشمن است که بر علاوه پختگی ایدئولوژیک - سیاسی، خصیصه تشکیلاتی آن؛ روابط یک جانبه تشکیلاتی است که آگاهانه از طرف فرد انقلابی پذیرفته می شود. بدون این خصیصه، کار تجزیه ای ممکن است به عکس خود مبدل شود.

۷ - در مناسبات میان کار درونی و بیرونی - در تشکیلات - به معنای استحکام درونی و تثبیت بیرونی، استحکام اساس و تثبیت آن شرایطی است که سازمان در میان آن رشد و پرورش می یابد. تقدم استحکام بر تثبیت، تقدم بود بر نمود و مناسبت ریشه با شاخه است؛ یکی بر دیگری تأثیرگذار و به هم پیوند دارند. اهمیت کار دشوار و بخرنج استحکامی به هیچ وجه کمتر از کار پرسر و صدا و پرافتخار تثبیت بیرونی نخواهد بود.

۸ - در مورد کار بین المللی؛ سازمان ما از یک جانب وفاداری خود را به امر انقلاب، دموکراسی و پیشرفت تا محو کامل ستم ملی و طبقاتی حفظ خواهد کرد و از جانب دیگر الزامات جنگ آزادیبخش ملی ما را به سلسله انعطافات سیاسی مواجه می سازد که ما بر پایه خط مشی مستقل ملی و انقلابی خود حق و وظیفه داریم دستان دوستی را که بدون هیچ نوع قید و شرط به طرف ما دراز می شود، بفشاریم، بدون این که منافع تاریخی و انقلابی ملت خود را فراموش نمائیم.

۹ - تعدد برنامه های آموزشی، خودسری و ندانم کاری در این مورد سازمان ما را به تعدد گرائی فکری، سیاسی و حتی تشکیلاتی رساند. این نقیصه با مطالعه دقیق برنامه آموزشی گذشته سازمان و در صورت ضرورت تکمیل و ارتقای آن تا سرحد یک برنامه مؤثر سیاسی ضروریست.

طرح کلی برنامه آموزشی پیشنهادی کنفرانس، ارتباط آن را با تناقضات اجتماعی - سیاسی موجود جامعه تأکید ورزید. چنانچه با تأکید بر مطالعه منسجم مواد آموزشی به مفهوم مطالعه تاریخ کشور خود، تئوری انقلابی و جنبش انقلابی جهانی در اجزای متعدد فلسفی، اقتصادی و سیاسی آن، با تذکر جنبه های مثبت تجارب عملی عده ای از حوزه ها و بخش ها، قرار بر این شد تا هیأت رهبری جدید کمیته ای برای تدوین و یا ارتقای برنامه آموزشی به وجود آورد. برنامه تدوین شده از طرف هیأت رهبری جدید تا کنگره آینده برنامه آموزشی کل سازمان خواهد بود، ولی رسمیت خود را در کنگره آینده مسجل خواهد کرد.

پیشنهاد طرح و تدوین یک برنامه آموزشی توده ئی فرصت بحث نیافت، ولی به مرکزیت جدید سپرده شد تا در این مورد نیز وظیفه بگیرد و برنامه ای برای کار تدوین نماید.

۱۰ - در مورد مسائل تشکیلاتی، کنفرانس با انتقاد از سیاست ها و انحرافات تشکیلاتی مانند تشکیلات باز، تشکیلات فدرالی، تشکیلات نفوذی و خطر این گونه انحرافات در یک تشکل انقلابی، سیاسی - نظامی مانند "ساما" پیشنهاد یک تشکیل زبده، حرفه ئی، فعال، منسجم و ارگانیک را داد.

علل انحرافات تشکیلاتی در سازمان ما علاوه بر عقب ماندگی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کل جامعه که سلسله ای از روش های عقب مانده را به داخل سازمان ما انتقال داده است، ضعف پایه طبقاتی سازمان ما، هجوم روشنفکران به طرف سازمان در زمان اعتلای جنبش سامانی و نوسان و عقبگرد آن ها بعد از شکست ها و فشار ها، عوامل مشخصی اند که باید با کار مداوم آن ها را از لحاظ فکری - سیاسی ریشه کن نمود. کنفرانس با در نظر داشت وضع موجود، شیمای تشکیلاتی را ارائه داد تا بتواند تمثیل کننده تشکیلات بسیط، زبده و منضبط ما باشد، بدون این که ما به ستاندار دگرایی و یا عقبگرایی تشکیلاتی بعلتیم.

کنفرانس به خاطر تمرکز بهتر کار ها و رسیدگی بهتر بدان، فیصله نمود که بعد از این، کار های بخشی، حوزه ئی و... که نمودی از لامرکزیت تشکیلاتی است، به نفع تشکیلات مرکزی منحل شود تا امور سازمان مستقیماً از جانب تشکیلات مرکزی هدایت و رهبری گردد. مرکزی ساختن کار های تشکیلاتی در شرایطی که سازمان از پراگندگی تشکیلاتی رنج می برد، در صورتی که موفقانه اجراء گردد، یقیناً نتایج تعیین کننده ای در رشد سازمان ما در همه جوانب خواهد داشت.

۱۱ - در مورد مسائل تبلیغاتی: کنفرانس سیاست عمومی تبلیغاتی سازمان و سیاست تبلیغاتی "ندای آزادی" را به بحث و ارزیابی گرفت.

از نظر کنفرانس، تبلیغات جزئی از خط مشی یک سازمان است. یک مشی سیاسی در اجزای خود با یکدیگر ارتباط ارگانیک دارد و هر کدام از آحاد و عناصر آن بر کل خط مؤثر است.

داشتن یک سیاست تبلیغاتی روشن فعال و ترقیخواهانه و وحدت طلبانه ما را در متن یک جنگ ضد استعماری یاری می رساند تا هم خود را به مردم خود معرفی نمائیم و هم بتوانیم نقش روشنگر و رهگشای خود را اداء نمائیم. بناءً، تأکید بر وحدت و ترقی در امر تبلیغاتی ارزش بزرگی را دارا است.

"ساما" باید در همه احوال روشنگر باشد و این وظیفه تاریخی آنست و رهگشا باشد و این رسالت تاریخی اش است. داشتن یک خط توده ئی در تبلیغات - به مفهوم دفاع از منافع تاریخی توده های مردم، آموختن بدان ها، از آن ها آموختن (از توده به توده) - بزرگ ترین ضمانتی است که ما را از انحرافات "چپ" و راست در سیاست تبلیغاتی ما نجات می دهد.

پیش بردن مبارزه ضد استعمار روس توأم با تبلیغات روشن، قاطع و به زبان و سطح مردم، تبلیغات ما را به آن حدی از برتری می رساند تا ما بتوانیم نقش روشنگرانه خود را در دیگر موارد جنبش و در مورد اوضاع بغرنج ملی و بین المللی برای توده ها به خوبی و موفقانه انجام دهیم.

در سیاست تبلیغاتی خود ما باید به روش چند جانبه تکیه کنیم که در آن نه یک شکل و وسیله، بلکه مجموع اشکال و وسائل در خدمت هدف واحدی درآید.

توجه به ابزار تبلیغی سمعی نیز ما را یاری می رساند تا در شرایط ویژه کشور خود به کتله های عظیم محروم از نعمت سواد آواز خود را برسانیم. چنانچه کمبود کار ما در ساحه های هنر انقلابی کنفرانس را بر آن داشت تا به فرهنگیان سازمان ندای فعالیت بیش از پیش را بدهد؛ تا هم سازمان و هم مردم از فرآورده های هنری آن ها استفاده ببرند.

برخورد فعال تبلیغی نسبت به حوادث و رخداد های بین المللی سازمان ما را از تمایلات غیر انقلابی درون گرایی ملی می رهند. ما یک گردان انقلابی هستیم که هم از آزادی، دموکراسی، پیشرفت و عدالت اجتماعی در کشور خود دفاع می کنیم و هم در ساحه بین المللی در همین سنگر قرار داریم. این موفقگیری انقلابی باید در سیاست تبلیغاتی

ما روشن و گویا باشد.

"ندای آزادی" به عنوان ارگان نشراتی دموکراتیک سازمان ما باید مانند گذشته عمدتاً به مسائل و معضلات جنبش ملی توجه خود را میندول دارد و نقطه نظر های ما را در آن ساحه با در نظر داشت برنامه حداقل ما بیان دارد. لیکن "ساما" می تواند - و باید - راه های دیگری را برای تبلیغ و ترویج ایده های انقلابی خود پدید آورد. نشریه درون تشکیلاتی، نشریه تحقیق - تئوریک جنبش، دو ابزاری است که سازمان باید در آینده در پی نشر آن برآید.

۱۲ - کنفرانس با انتخاب هیأت رهبری جدید کار، مرکزیت و رهبری گذشته را ختم شده اعلام نموده و از فعالیت آن ها در راه پیشبرد امور محوله تشکر نمود.

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) در میان آتش و خون تولد یافته است و با رنج و افتخار، شکست ها و قهرمانی های بی مانند آگاه ترین فرزندان این مرز و بوم، پویه حماسی خود را آغازیده است.

نه سلاح مهیب روس و کشتار های بی رحمانه مزدوران بی مقدارش و نه توطئه کین دشمنان قباپوش و نقاب پوش مردم و نه هم زبونی و بی چارگی عده ای راه گم کرده، نمی تواند این کاروان با عظمت انسان آگاه را سد شود.

سرانجام ملت قهرمان ما و در پیشاپیش آن رزمندگان صدیق سامائی به سرزمین همیشه بهار آزادی قدم می گذارند. سرانجام بنیان های زور و وحشت ارتجاع برآشفته فرو می ریزد و افغانستان شگوف و آباد بر روی ویرانه های استعمار پا می گیرد. سرانجام انسجام انقلابی، پویا و جست و جوگر این کشور از دام توطئه ها، محاسبات، دودلی ها، تردد ها و عقبگرد ها بیرون می رود.

و سرانجام جنگ بزرگ ملت ما به انقلاب بزرگ این مردم منتهی می شود و این انقلاب نابودکننده استعمار - با فرزند خلف آن، جنگ - است.

برای تحقق آزادی، دموکراسی و پیشرفت سالم اجتماعی، برای پاسداری از میراث انقلابی شهدای ما، برای وحدت رزمنده سامای انقلابی متحد و پرتوان به پیش!

با عشق به آزادی

با ایمان به انقلاب

با اتکاء بر توده

یا مرگ یا پیروزی!

کنفرانس سرتاسری سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

(۱۶ قوس ۱۳۶۲ / ۷ دسمبر ۱۹۸۳)